

مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام در سال ۱۳۸۷ در شهر شیراز و با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تأسیس شد. هدف اولیه این مؤسسه، رتبه‌بندی دانشگاه‌های کشورهای اسلامی، نمایه‌سازی نشریات علمی این کشورها و انجام فعالیت‌های مرتبط با علم‌سنجی در جهان اسلام بود. این مؤسسه به‌عنوان نهاد پژوهشی مستقل، به ریاست دکتر جعفر مهرداد، استاد بازنشسته کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شیراز، بنیان‌گذاری شد. در حال حاضر، ریاست آن بر عهده دکتر علویان مهر، از استادان برجسته شیمی کشور است. بر اساس مأموریت و چشم‌انداز اعلام‌شده در وبگاه رسمی مؤسسه، تمرکز اصلی آن بر علم‌سنجی در کشورهای اسلامی است. با این حال، به دلایلی که نیازمند بررسی دقیق‌تر است، این هدف در سطح کشورهای اسلام به‌طور کامل محقق و ممکن نشد. از جمله دلایل احتمالی می‌توان به ضعف ارتباط با نهادهای علمی سایر کشورها، اولویت رویکردهای ملی در کشورهای عضو، تفاوت‌ها و رقابت‌های سیاسی و علمی میان کشورهای اسلامی، محدودیت‌های ارتباطی و بین‌المللی ایران، و نیز کمبود زیرساخت‌های لازم برای تعاملات علمی بین‌المللی اشاره کرد. در نتیجه، با وجود تأکید بر حفظ چشم‌انداز رسمی، در عمل مأموریت مؤسسه به‌تدریج تغییر یافت و وظایفی مانند رتبه‌بندی دانشگاه‌های داخلی، ارائه گزارش‌های علم‌سنجی از وضعیت علم در ایران، آموزش علم‌سنجی به دانشگاه‌ها، و مدیریت سامانه‌هایی مانند «نان» (نظام ایده‌ها و نیازها) به آن واگذار شد.

۱. جایگاه فعلی ISC در نظام ارزیابی دانشگاه‌ها: با وجود عدم تحقق کامل مأموریت اولیه در سطح جهان اسلام، رتبه‌بندی ISC اکنون نقش مهمی در ارزیابی داخلی دانشگاه‌های ایران ایفا می‌کند. حتی وزارت علوم در برخی موارد، تخصیص بودجه به دانشگاه‌ها را بر اساس امتیاز و رتبه کسب‌شده در این نظام تعریف می‌کند. این رویکرد تا حدی موجب پویایی بیشتر در نهادهای علمی شده و آنها را از رکود نسبی خارج کرده است.

۲. تغییرات مکرر شاخص‌ها: هر ساله شاخص‌هایی برای رتبه‌بندی تعریف می‌شود و دانشگاه‌ها اطلاعات خود را بر اساس آنها ثبت می‌کنند. با این حال، بررسی چندساله نشان می‌دهد که شاخص‌ها دستخوش تغییرات گسترده و مکرر می‌شوند. اگرچه بازنگری شاخص‌ها امری ضروری است، اما تغییرات پی‌درپی موجب سردرگمی دانشگاه‌ها می‌شود و می‌تواند نشانه‌ای از نبود ثبات در مدل رتبه‌بندی باشد. در مقابل، نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی مانند تایمز و QS معمولاً تغییرات شاخص‌ها را به‌صورت تدریجی و محدود اعمال می‌کنند.

۳. نبود مدل پایدار رتبه‌بندی: به نظر می‌رسد مؤسسه هنوز به یک مدل یا چارچوب پایدار برای رتبه‌بندی دانشگاه‌ها دست نیافته است؛ به‌گونه‌ای که هر سال بخش قابل توجهی از شاخص‌ها، گاه تا حدود ۲۵ درصد، دستخوش اصلاح یا حذف و اضافه می‌شود.

۴. عوامل احتمالی ناپایداری شاخص‌ها: یکی از دلایل این وضعیت می‌تواند نبود شناخت کافی از واقعیت‌های دانشگاه‌های کشور در میان کارشناسان و همچنین اعمال تصمیمات دستوری، چه در داخل مؤسسه و چه از سوی نهادهای بالادستی، بدون مطالعات کافی باشد. از آنجا که مؤسسه زیرمجموعه وزارت علوم است، احتمال دارد هر ساله تحت فشارهای اداری برای تغییر، افزودن یا حذف شاخص‌ها قرار گیرد.

۵. ضرورت تعریف مأموریت و مدل متمایز: مؤسسه باید ضمن تثبیت شاخص‌ها در چارچوب مدلی مشخص، رویکرد خود را با نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی مقایسه کند و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را به صورت شفاف تدوین کند. به بیان دیگر، لازم است ابتدا مأموریت اصلی این نظام رتبه‌بندی و تفاوت آن با رتبه‌بندی‌های بین‌المللی مشخص شود.

۶. توجه به ابعاد ملی در رتبه‌بندی: یکی از محورهای مهم در مأموریت رتبه‌بندی می‌تواند توجه به ابعاد ملی باشد. هدف اولیه مؤسسه، تمرکز بر جهان اسلام بود که اکنون نه اولویت اصلی و نه به‌سادگی قابل تحقق است. از سوی دیگر، رتبه‌بندی‌های بین‌المللی عمدتاً بر تعاملات جهانی دانشگاه‌ها تمرکز دارند که اغلب با اروپا، امریکا و اخیراً چین شکل می‌گیرد. در این میان، توجه به نقش دانشگاه‌ها در توسعه ملی ایران کمتر دیده می‌شود. تمرکز محدود بر اهداف دانشگاه در ایران می‌تواند نقش دانشگاه‌ها در تحقق اهداف ملی را کم‌رنگ کند و حتی برخی سیاست‌ها به تضعیف هویت ملی منجر شود. مؤسسه می‌تواند شاخص‌هایی برای سنجش نقش ملی دانشگاه‌ها از جمله تنوع جغرافیایی اعضای هیات علمی، جذب دانشجویان از سراسر کشور، تعاملات علمی و فنی با نهادهای داخلی علمی و فنی، حل نیازهای منطقه‌ای و ملی، توزیع متوازن فرصت‌های علمی و پژوهشی در کشور را تعریف کند. در عین حال، افراط در نگاه محلی نیز می‌تواند مانع توسعه دانشگاه شود، زیرا آن را از ظرفیت‌های ملی محروم می‌کند. بنابراین، لازم است در شاخص‌ها، توازن میان ابعاد ملی و بین‌المللی برقرار شود. به عنوان مثال، بیش از هفتاد درصد اعضای هیات علمی دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه از سایر نقاط کشور هستند که این مورد به دلیل وجود دید گسترده موسسان دانشگاه و ادامه دید مذکور در ریاست‌های بعدی بوده است. به‌عنوان اقدامی نمادین و تحلیلی، مؤسسه استنادی می‌تواند ترکیب جغرافیایی نیروهای متخصص خود را نیز بررسی کند تا میزان تنوع و رویکرد ملی در ساختار داخلی آن مشخص شود.